



## قدیس "توماس آکوئیناس" فیلسوف بزرگ ایتالیایی (1274م)

قدیس توماس آکوئیناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‌ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده‌ای از طبقه ممتاز به دنیا آمد.

قدیس توماس آکوئیناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‌ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده‌ای از طبقه ممتاز به دنیا آمد. وی در ابتدا در صومعه به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و سپس در دانشگاه شهر ناپل به تحصیل فلسفه مشغول شد. آکوئیناس در دوران تحصیل غالباً خاموش و متفکر بود و پس از اتمام تحصیلات به مطالعه آثار فلسفی روی آورد، تا این‌که به نشر افکار خود مشغول گردید. توماس آکوئیناس معتقد بود که الهیات و علوم، تناقضی با یکدیگر ندارند زیرا سر و کار هر دو با حقیقت است و حقیقت هم قابل تجزیه نیست. وی بر اساس همین تفکر، به نوشتن شرح و تفسیرهایی بر آثار ارسطو پرداخت و کوشید تا میان فلسفه مابعدالطبیعه ارسطویی با عقاید مسیحی و اخلاق یهودیت تلفیقی به وجود آورد. این عمل، یکی از بزرگ‌ترین کارهایی است که در فلسفه صورت گرفته است و برجسته‌ترین مرحله فلسفه مدرسی و نظرات مطرح شده در مدارس قرون وسطی به شمار می‌رود. در فلسفه مدرسی، که نظام فلسفی قدماي کلیسا بود، ایمان بر عقل ترجیح داده می‌شد و عقل، متکی بر ایمان قلمداد می‌گردید. آکوئیناس هم‌چنین از آراء ابن رشد، فیلسوف مسلمان اندلسی، استفاده بسیار کرد و نظرات علمی خود را نیز بر آن افزود. او از این مسیر، ترکیبی به وجود آورد که نزدیک به چهارصد سال، فلسفه رسمی حوزه‌های علمی و مذهبی اروپا بود و هنوز هم در میان دانش‌پژوهانی که مقید به اصول دیانت کاتولیک هستند، محترم و معتبر است. آکوئیناس مانند نویسندگان انجیل معتقد بود که بزرگ‌ترین خیر و سعادت برای بشر، سیر به سوی کمال الهی است. وی هم‌چنین همانند ارسطو بر این عقیده بود که در درون هر کس، صورتی یا نیرویی وجود دارد که قادر است او را به فرشته‌ای تبدیل کند. آکوئیناس علی‌رغم دارا بودن خانواده‌ای ثروتمند و بانفوذ، از جامعه فاصله گرفت و نظام اندیشه‌های خود را برپا کرد. برخی از عقاید او عبارت از این است که می‌گفت: اگر شما به خوبی و نیکی خداوند ایمان داشته باشید می‌توانید برای عالمی که اجزای آن با هماهنگی در کارند و حقیقت‌اعلای آن، رستگاری روح جاویدان آدمی است، یک فلسفه عقلانی طرح کنید. او می‌گفت: در حقیقت، ما به این جهان آمده‌ایم تا از راه استیلا بر بدی‌ها به نیکی‌ها دست یابیم. زیرا بدی، تلاش برای جدا ساختن انسان از انسان، و انسان از خداست، اما نیکی، حاصل وحدت مجدد میان خدا و انسان است. در این میان نیروی محرکي که ما را یاری می‌رساند، عشق الهی به مخلوقات خود می‌باشد. وی معتقد بود که در خداوند، ماده‌ی معنی‌جنبه‌نقص وجود ندارد و تنها صورت یا کمال راه دارد. کلیسا تا مدت‌ها از پذیرفتن آراء آکوئیناس خودداری می‌کرد، ولی سرانجام فلسفه او را که تومیس‌نام داشت پذیرفت. بزرگ‌ترین خدمت توماس آکوئیناس به پیشرفت علوم، توجه فوق‌العاده وی به مذهب اصالت عقل است. او می‌گفت دلیل و منطق عالی‌ترین وسیله در راه بسط مرزهای دانش بشری است. همین طرز تفکر بود که موجب شد علم و دانش که مدت‌مدتی در اروپا از اعتبار افتاده بود و میراث کفر و بت‌پرستی تلقی می‌شد بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و ارزش یابد. آکوئیناس، زندگی و حیات پس از مرگ را لازم می‌دانست و آن را ادامه حیات انسان می‌شمرد. توماس آکوئیناس سرانجام در هفتم مارس 1274م در 48 سالگی درگذشت. با این حال، وی از کوتاهی کتاب زندگی خود در این جهان متاسف نبود و می‌گفت: اگر خداوند مرا در سنی کمتر از دیگران، دانایی بیشتر عطا کرده است، برای آن است که می‌خواسته است، زودتر مرا به سوی جلال و عظمت خود باز خواند.